پیام سبزاندیشان



فصل‌نامه فرهنگی دو زبانه‌ی فارسی و اسپرانتو ـ دوره دوم، شماره ۳، پاییز ۹۱



اسپرانتو و سازمان ملل متحد



اسپرانتو و کنفرانس Rio+20



اسپرانتو و اجلاس زنان اقلیت

اسپرانتو و روز حقوق بشر



اسپرانتو و سیستم عامل اندروید

اسپرانتو و ...



به نام خداوند جان و خرد

پیام سبزاندیشان

فصل‌نامه‌ی پژوهشی ـ فرهنگی دو زبانه‌ی فارسی و اسپرانتو

دوره دوم شماره ۳ پاییز ۱۳۹۱

شماره استاندارد بین‌المللی: ISSN 1728-6174

تاریخ انتشار نخستین شماره: پاییز ۱۳۸۱

•

•

نشانی‌ها:

پایگاه اینترنتی: www.espero.ir

پست الکترونیک: info@espero.ir

سخنی با خوانندگان

وقتی قبل چاپ این شماره از مجله را کنترل می‌کردم متوجه شدم که مجله ده ساله شده است. انگاری همین دیروز بود که آقای ترابی به من زنگ زد و گفت به زودی نشریه‌ای جدید خواهیم داشت و اگر مطلبی داری بفرست. در این ده سال روزهای خوب و به یادماندنی زیادی داشتیم. در روزهایی که به عنوان اعضاء هیات تحریریه با شور و اشتیاق دور هم جمع می‌شدیم و مطالب مجله را تنظیم می‌کردیم. و روزهای بد، روزهایی که مجله چاپ نمی‌شد. و مجله به ده سالگی خود رسید. گرچه مجله جایگاه مورد انتظار اولیه خود را نیافت ولی زنده است و پابرجا. بیایید کمک کنیم تا سال‌ها پایدار بماند.

دکتر کیهان صیادپور

فهرست مطالب بخش فارسی و اسپرانتو:

ادامه ماجرا: قسمت پنجم

در ابتدا همه می‌خواهند به ما کمک کنند و توی صف، ما دوتا واقعا اعجوبه هستیم. همه ویزا را برای کار در امریکا می‌خواهند، و ما شهروندان اسپانیایی می‌خواهیم دور دنیا گردش کنیم. از ما پرسش‌های مقرراتی و آیین‌نامه‌ای می‌کنند اما با جذابیت. از این‌که حرف زدن ما یک‌خورده رومانیایی است پلیس‌های دم در خوشحال می‌شوند. اجازه ملاقات با سفیر را پیدا می‌کنیم، جدای از این‌که خیلی آدم مهربانی است، از این‌که به زبان اسپانیایی در بلندگو صدایمان می‌کنند شگفت‌زده می‌شویم. سفیر مدتی نیز در مادرید بوده است و با کشتی‌های تجارتی سفر کرده است وخیلی از این جریان خوشش آمده است. او یک آمریکایی ۵۵ ساله است با قدی بلند و اندامی لاغر، موهای سفید و عینک فریم خمیری، آدم خوبی به‌نظر می‌رسد. او بدون آن‌که سوالی بکند بی‌هیچ مشکلی با ویزای ما موافقت می‌کند. معجزه شد!

برای ورود به امریکا حتی در حالت ترانزیت باید ثابت کنی که به اندازه کافی پول داری و در کشور خودت آدم بی‌مسئله‌ای هستی و خلاصه این‌که به کشورت برمی‌گردی.

حالا ما باید منتظر گذرنامه‌هایمان باشیم. یک ساعت دیگر آماده است. به کافی شاپی که نزدیک سفارت‌خانه است سری می‌زنیم. همه چیزش چوبی است و با دکور کیف‌های سوراخ‌دار که با نخ به



دیوار و ستون‌ها آویزان کرده‌اند تزیین شده است. میزها گرد و بعضی‌ها هم قائم‌الزاویه هستند. کلا همه‌چیز روستایی به‌نظر می‌رسد. مرتبا ترانه‌ای از دمیس روسوس می‌شنوی که تکرار می‌شود. این‌جا احتمالا او را خیلی بیش‌تر از اهالی روستای "دل تبره" Deltebre که هم‌جوار روستای ماست دوست دارند. آخه اهالی این روستا می‌خواهند سر به تن این خواننده نباشد! ساعت یک بعدازظهر گذرنامه‌هایمان را با ویزای دوست‌داشتنی و محبوب داخل آن‌ها می‌گیریم. آن را می‌بوسیم. هیچ‌وقت تصور نمی‌کردیم، که بتوانیم تنها ظرف یک صبح موفق به دریافت آن شویم. کمی توی بخارست چرخ می‌زنیم، می‌دانید آن را پاریس رومانی می‌نامند.

بخارست

با یکی از این‌جایی‌ها آشنا شدیم و او شرح مفصلی داد که: "در طی سفری که داشتم، وقتی به اسپانیا رسیدم، همه چیزی که آدم‌ها درباره رومانی می‌دانستند این بود که پایتخت آن بوداپست است و تیم فوتبال Steaua بوداپست تیم بارسلون را در فینال جام ملت‌های اروپا در سویل برد". آن‌ها پایتخت مجارستان را با رومانی اشتباه گرفته بودند، و این ثابت می‌کند که بخارست همیشه برای ایبرها کاملا ناشناخته باقی مانده، زیاد منطقی نیست چون این شهر اروپای شرقی به فرهنگ ما بیش‌ترین شباهت را دارد. شهری با میراث لاتینی؛ رومانیایی گویی زبانی با ترکیبی از کاتالونیایی، ایتالیایی و فرانسوی است. فهمیدن آن به‌قدر کافی برای ما آسان است. ساکنانش برون‌گرا و خوش معاشرت‌اند و خیلی هم دوست

دارند که موردپسند خارجیان واقع شوند.

شهری که زمانی پاریس کوچولو نامیده شده، به‌خاطر زندگی روشنفکرانه در آغاز قرن ۲۰ امروز در آن همه‌چیز پیدا می‌شود، شهری است که آدم می‌تواند در طول خیابان‌هایش گم شود در حالی‌که آلاینده‌های توریستی خیلی کم است و هنوز بخشی از اصالت‌ها حفظ شده است. هم‌زمان با این قضیه شهر ارزانی هم هست که اجازه می‌دهد از چیزهای لوکس آدم لذت ببرد بدون آن‌که نگران جیبش باشد.

بخارست در چهارراه برخورد مذاهب و تمدن‌های بزرگ واقع شده است و این قضیه باعث شد که مورد توجه و هدف همه‌ی دول مطرح واقع شود. ولی به اندازه کافی تمامی این سعی و تلاش‌ها و نگرش‌ها را تحمل کرده و از تخریب جلوگیری نمود. آخرین‌اش همان نیکلا چائوشسکو بود که تقریبا همه‌چیز را با هذیان‌های خودبزرگ پندارانه‌اش از این شهر گرفت.

در ایستگاه اتوبوس قبل از آن‌که به مقصد استانبول سوار شویم، به ما آب پرتقال و چای تعارف می‌کنند. از جلوی ساختمان مجلس عبور می‌کنیم که در دنیا بزرگ‌ترین است، و آخرین و عظیم‌ترین بنای رهبر بزرگ چائوشسکو. پسری از اورادآ ـ شهری در شمال رومانی ــ توضیح می‌دهد که او و ۱۳ هزار نفر دیگر برای احداث بنا آن‌جا کار کرده‌اند. فصل آشفته‌گویی‌ها بود.

از میان مزارع ذرت و آفتابگردان می‌گذریم. وارد بلغارستان می‌شویم و باید عوارض مرزی پرداخت کنیم که مسلما تا رود دانوب نمی‌رسد. این رود سرحد قانونی اما طبیعی بین دو کشور است که این‌جا دیگر به رنگ آبی نخواهد بود.

ما در سرزمین بالکان‌ها هستیم، سرزمین ماست و خطه پادشاهی. می‌گویند، که از این‌جا اولین ماست‌ها به بارسلون صادر شده است که بعدا مارک "دانون" را به آن دادند. و در این‌جا برای اولین بار پادشاه خود را از حق و امتیازات ویژه سلطنت خلاص کرد و لباس کار پوشید.

ما در میان گیتارها، ویلون‌ها و نوازندگانی که دارند می‌روند تهران کنسرت اجرا کنند محصور شده‌ایم. آن‌ها سال گذشته در آلاکانت Alakant به شکل سیار می‌گشتند و کنسرت می‌دادند و بعضی‌هایشان بلوزهای تی‌شرت با آرم آژانس توریستی دریایی آلفاس دل پی Alfas del Pi بر تن دارند. ما منتظریم، بالاخره یکی از این‌ها دستی بر گیتار ببرد و بربط خوش‌نوازش را نشان دهد و بر قاقک آن پنجه زند و نغمه‌ای دلنشین سر دهد و ما هم جشن بگیریم. ولی، ولی هیچ‌یک تکانی هم به خود نداد. در حالی‌که از این احوال بیرون می‌آییم، به دنبال بهترین وضعیت برای جفت شدن با چهارمین روز سفرمان می‌گردیم و در خواب غرق می‌شویم.

دانون

به آن سوی بلغارستان می‌رویم و این کشور تاریخچه دانون را به یاد ما می‌آورد. آقای ایساک کارازو در طی جنگ جهانی دوم از سالونیک به بارسلون آمد. (سالونیک آن زمان محل زد و خورد و درگیری بین ترک‌ها، یونانی‌ها و بلغارها بود) ایساک ماست و فرمول تهیه آن را با خود آورد. او فکر کرد بهتر است ماست را در سراسر بارسلون توزیع و به فروش رساند، پس با گاری و توی ظروف کوچک شیشه‌ای ماست را در اختیار داروخانه‌های شهر گذارد.

ایساک آن را دانون نامید، نامی لطیف و برگرفته از اسم پسرش دانیل. این مارک در فرانسه و امریکا معروف شد تا جایی‌که بعد از لبنیات فرانسوی همه آن را می‌خریدند و در تمام دنیا جزو اولین محصولات مرغوب قرار گرفت. در کشور ما وقتی راجع به دانون صحبت می‌شود، هیچ‌کس باور نمی‌کند، که این مارک از بارسلون به سرتاسر دنیا رفته و نام آن از اسم پسر سازنده‌ی این محصول گرفته شده است. ایساک کارازو یکی از اولین‌های کاتالونیاست که سفر کردند، شناختند، فکر کردند و یک

امپراطوری برپا کردند. شایسته است که از دیگران نیز یادی شود مثل آن شخصی که توی آب‌نبات یک عصای کوچک چوبی فرو کرد و به این نوع آب‌نبات چوبی‌ها نام "چوپاچوپس" داد و اکنون همه آن را می‌شناسند. و یا آن تاجر متفکری که یک مرغ پیر را گرفت و از آن طعم‌دهنده‌های مکعب شکل ساخت، ـ از قرار معلوم اون مرغه سفید بوده ـ (اشاره به طعم‌دهنده‌های مرغ مثل مارک گالینا بلانکا .م). یا آن مرد نانوایی که از اهالی Lleida بود و به امریکا سفر کرد و آن‌جا جذب این فکر شد که رولت‌هایی بپزد که اتوماتیک و بدون دخالت دست باشد. با یک شرکت امریکایی قرارداد بست و بعد از ۲ سال امتحان و تمرین و تجربه موفق شد اولین رولت‌ها را با مارک "دانت Dount" ارائه دهد و اکنون رولت‌های دانت بر بازار شیرینی‌های تازه صنعتی ریاست می‌کند. (این نوع رولت‌ها در بازارهای اروپا رایج و آشنا است .م).

پشت درهای مشرق زمین

روز پنجم

از مرزهای بلغارستان بدون مشکل خاصی می‌گذریم. اتوبوس جلوی مغازه‌ای در فاصله بین مرز دو کشور توقف می‌کند، که البته عوارض و حقوق گمرکی شامل حال این مغازه نمی‌شود.

می‌بینیم که راننده‌ها چقدر با شتاب و عجله حداقل ۳۰ تا کیسه و ساک سیاه‌رنگ را بار می‌زنند. ما به هم نگاه می‌کنیم و هردو به یک چیز فکر می‌کنیم (جنس قاچاق). مسلما یکی از آن‌ها مال ماهاست. این هم تجربه‌ای حاصل از یک سفر نو به آندورا.

مامور مرزی از ما می‌پرسد: آیا اسپانیایی هستید؟ – به صندوق مراجعه کنید.

ما چون برای ترکیه ویزا نداشتیم باید برای آن ۱۰ یورو پرداخت کنیم. طبق روال همه‌چیز از صف کنترل می‌گذرد و ما نیز هم‌چنان اینجا هم عجیب و غریب جلوه می‌کنیم. سوار اتوبوس می‌شویم، و به گمان‌مان پایین پاهایمان به ازاء هر ساک سیاه حاوی تنباکو و ویسکی، باید ۴ تا بطری [مشروب] black label و ۳ کارتن [سیگار] Dunhill قرار داشته باشد. سفر تجربه آدم را زیاد می‌کند!

ساعت: ۵:۳۰. ما و آن ارکستر رومانیایی که به ایران می‌روند از خواب بیدار می‌شویم. به استانبول رسیدیم. در دفتر تعاونی اتوبوس‌های مسافربری ، دانیل را پیدا می‌کنیم، یک رومانیایی بلندقد و بلوند است که می‌گوید چون ۷ سال در ایتالیا کار می‌کرده حالا به ایتالیایی صحبت می‌کند. ولی به جز یک کلمه tropo چیز دیگری از دهان او به ایتالیایی خارج نشد. لابد زبانی که او حرف می‌زند یک زبان رومانیایی دستکاری شده است. برای ما دنبال هتل می‌گردد و کارمان را راحت می‌کند. چقدر مهربان، اوه tropo دوست‌داشتنی.

مارکو پولو ***Marko Plolo***

معروف‌ترین جهانگردی که از مسیر جاده ابریشم به دور دنیا مسافرت کرد در سال ۱۲۵۵ در ونیز ایتالیا چشم به جهان گشود. او فرزند تاجر بی‌باکی بود، که قبل از تولد او، با برادرش یعنی عموی مارکو به چین سفر کرد. وقتی از اولین سفر بازگشت مارکو ۱۵ ساله بود و مادر مارکو با زندگی وداع کرده بود

پس از دو سال در ونیز، آن‌ها دوباره به چین عزیمت کردند، و این دفعه مارکو را نیز با خود بردند. پسری ۱۷ ساله که هنوز ازدواج را تجربه نکرده بود. ظاهرا پدر او دوست نداشت زمان را از دست بدهد. در سفر قبلی زمانی که همسرش باردار بود او را ترک کرد و بعد از ۱۵ سال بازگشت. دوباره ازدواج کرد و این بار برای ۲۵ سال عازم سفر شد. این سفرها در سال ۱۲۹۶ زمانی که مارکو ۴۱ سال داشت به پایان رسید. در طی این مدت مارکو مباشر قوبلای قاآن، خان مغول بود که تقریبا مثل پسرش او را دوست داشت.

در میان چیزهایی که او از شرق به غرب برد، یکی مفهوم و ادراک کلی درباره پول بود و

هم‌چنین استفاده از رشته های خمیری به عنوان غذا که بعدها غذای ملی ایتالیا شد، رشته های خمیری که به نام اسپاگتی و ماکارونی می‌شناسیم و در همه جای دنیا طرفداران زیادی دارد.

اعضای خانواده مارکو بنا بر دانسته‌های ما، اولین اروپایی‌هایی بودند که در مسیری سفر کردند که امروزه معروف به جاده ابریشم است. در طول جنگ میان ونیزی‌ها و ژنوی ها، این دسته ی آخری، مارکو را به زندان انداختند، و در زندان او با نویسنده‌ای به نام Rustichello آشنا شد. آن ها تنها چیزی که زیاد داشتند وقت بود، پس مارکو همه ماجراهای سفرهای خود را برای او تعریف کرد و آن نویسنده در قالب یک کتاب با عنوان "عجایب یا توصیف جهان" به زبان فرانسوی که در آن دوره زبان نوابغ بود، شرح وقایع را ثبت کرد و به مدد قلم توانای او مارکو پولو برای همیشه یک اسطوره شد. در اصل پدر و عموی مارکو بودند که این راه را باز کردند اما تاریخ آن‌ها را به دست فراموشی سپرد.

استانبول مثل بازار بزرگی است، که همه‌چیز در آن می‌فروشند. توی خیابان از موجودات افسانه‌ای گرفته تا ترازو، ورق بازی، جوراب، پیراهن های دست دوم و سوم، ساعت، میوه، نان ماشینی و غیره می‌توان یافت. البته به غیر از اجناسی که مغازه‌ها و دکه‌های بی شمار، در وسط خیابان برای رقابت با فروشندگان مهاجر در معرض فروش می‌گذارند.

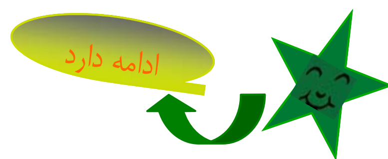
به سمت ایستگاه قطار راه می‌افتیم تا ببینیم چگونه می‌شود به تهران رفت. می گویند قطار چهارشنبه حرکت می کند و سه روز طول می‌کشد تا به تهران برسیم. نمیشه، باید زودتر برسیم. به قسمت جهانگردان مراجعه می‌کنیم و از خانم جوانی که آنجاست سوال می کنیم چطور می‌شود سریع تر به تهران برویم و به انگلیسی پاسخ می‌دهد: "پرواز". صد البته که قبلا استفاده از هواپیما به عقل‌مان نرسیده بود! حالا فقط برای ما دانیل باقی می‌ماند که مشکل را حل کرده و برای ما اتوبوسی را هماهنگ می کند. این اتوبوس فردا بعدازظهر به سمت تهران حرکت می‌کند و چهل ساعت طول خواهد کشید تا به آن‌جا برسیم.

رستوران دارها به قصد جذب مشتری و رقابت سوداگرانه به زبان اسپانیایی از ما دعوت می‌کنند تا به رستوران آن‌ها برویم:

– "دوست من، بیا این جا، این‌جا".

جهانگرد اسپانیایی این جا زیاد است و در وحله اول گارسون ها و پیش‌خدمت‌ها باید خودشان را وفق دهند. به یکی از این‌هایی که بیش‌تر خوشمان آمد می‌رویم و به قدر کفایت خوب ناهار می‌خوریم. دلمه بادمجان، فلفل معطر، تکه‌های چهارگوش گوشت گوسفند، گوجه‌فرنگی و ماست. همه‌ی این ها ۳۳/۵ میلیون لیره ترک و به نرخ ارزی معادل ۲۰ یورو قیمت دارد. یک کم گران است.


مسجد حضرت سلیمان در استانبول



چه خبر؟

اسپرانتو در رابطه با سازمان ملل متحد

ESPERANTO POR UNUIĜINTAJ NACIOJ سازمانی است که در جهت ارتقاء نقش اسپرانتو در سازمان ملل و گسترش اطلاعات سازمان ملل در میان اسپرانتودانان کار و فعالیت می‌کند.

❊ سازمان جهانی اسپرانتو دارای روابط قانونی و رسمی با سازمان ملل و یونسکو از سال ۱۹۵۴ تاکنون می‌باشد.

❊ سازمان جهانی اسپرانتو از طریق اداره این سازمان به آدرس: 777 United Nations Plaza, Novjorko بر تماس‌ها و ارتباطات و دیدارها نظارت دارد؛ گروه‌های کاری در پاریس، ژنو و وین فعالیت‌های مشابهی انجام می‌دهند.

❊ گاه به گاه نقطه نظرهای خود را درباره مسائل زبانی در نشست ها و کنفرانس های سازمان ملل و یونسکو مطرح می‌کند

❊ در ژنو، نیویورک، پاریس و ... کنفرانس هایی را سازمان‌دهی می‌نماید.

❊ معطوف‌سازی توجهات به اسپرانتو به عنوان یک رسانه بی‌طرف در میان مردمان و معضل بی‌عدالتی زبانی به طور عموم از سایر فعالیت‌های این سازمان می‌باشد.

❊ ساخت و فعال سازی سایت اینترنتی به زبان اسپرانتو درباره سازمان ملل و یونسکو:

www.esperanto-un.org

❊ بارورسازی و رشد حمایت‌ها و پشتیبانی به‌منظور ایجاد پایگاه در راستای کار و اقدامات مشابه برای سازمان جهانی اسپرانتو در یونسکو و سازمان ملل.

❊ گسترده سازی سیستماتیک اطلاعات سازمان ملل در میان اسپرانتودانان.

❊ ایجاد استدلال و برهان به هدف حمایت از سازمان ملل از طریق: ۱- اطلاع رسانی عمومی درباره ارزش آن، آموزش سازمان ملل در مدارس، ۳- ایجاد هوشیاری در مفهوم ارزش نظم جهانی، و ۴- کار و تلاش برای رسیدن به اهداف تحول بخش هزاره‌ای.

برای عضویت در این سازمان به آسانی می‌توانید آدرس پست الکترونیکی خود را برای ما info@esperanto-un.org ارسال کرده و آماده دریافت هر از گاهی گزارش کارهای ما باشید. عضویت رایگان می‌باشد.

اسپرانتو بخش یکپارچه تلفن‌های اندروید

تلفن‌های همراه و لپ تاپ‌هایی که از سیستم عامل اندروید استفاده می‌کنند به‌زودی و اتوماتیک از صفحه کلید اسپرانتو بهره‌مند می‌شوند.

این صفحه کلید طبق طراحی‌های انجام شده در ابتدای سال ۲۰۱۳ بخش یکپارچه و بی‌کم و کاست نسخه ۴.۲ اندروید خواهد بود. به‌نظر ژاکوب نوردفالک برنامه‌ریز دانمارکی که نقش به‌سزایی در معرفی اسپرانتو در اندروید داشته است، این امر تصمیم مهمی بوده، ضمنا چون اسپرانتو در حال حاضر به‌طور اتوماتیک در فهرست زبان‌های ورودی قرار دارد.....

متن کامل مقاله را در آدرس زیر مطالعه کنید:

http://www.liberafolio.org/2012/esperanto-igos-integra-parto-de-android-telefonoj

آندروید JellyBean 4.2 بالاخره رسید!

ژاکوب نوردفالک ۱۴ نوامبر ۲۰۱۲ در گوگل پلاس نوشت:

نسخه جدید "اندروید" که دارای صفحه کلید اسپرانتوست وارد بازار شد. البته در حال حاضر فقط سیستم‌های Nexus 7 که ارزان و قابل دسترس در همه جای دنیا می‌باشند می‌توانند از این نسخه استفاده کنند. سایر تلفن‌های همراه و سیستم‌های مجهز مانند سامسونگ گالاکسی اس ۳ در اوایل ۲۰۱۳ برنامه به روز شده را دریافت خواهند کرد.

اطلاعات بیشتر:

https://plus.google.com/Android

سازمان جهانی اسپرانتو (UEA) و سازمان جهانی جـوانان اسپرانتیست (TEJO) در رابطه با کنفرانس RIO+20

برگردان: سعید برهانی

در همایش توسعه پایدار RIO+20 که سازمان ملل متحد در ریودوژانیروی برزیل از بیستم تا بیست و دوم ژوئن ۲۰۱۲ برگزار کرد، سازمان‌هــای غیردولتی (مردم نهاد) (NGO) نقش به سزایی داشتند. از ســازمان های غیردولتی به عنوان نمایندگان جوامع شهری خواسته شده بود تا با پیشنهادهای خود برای بیانیه مصوب پایانی همایش کمک نمایند. این سند مرجعی برای تصمیمات مقامات دولتی با هدف اطمینان بخشی نسبت به توسعه پایدار در جهان خواهد بود.

UEA و بخش جوانان آن TEJO در «مسیر ریو» فعال می‌باشند. قدم اول در ماه سپتامبر در بن (Bonn) برداشته شد؛ جایی که گروه پنج نفره نمایندگان UEA موفق به گنجاندن اصلاحیه ای در برنامه شصت و چهارم همایش سازمان های غیردولتی سازمان ملل متحد شدند. این اصلاحیه به نفع حقوق زبانی و تنوع فرهنگی وحتی با پیشنهاد درنظر گرفتن پتانسیل زبان بین‌المللی بی‌طرف بود.

گروه سایبری فعال پیشنهاد مشترک UEA و TEJO را تنظیم کرد. این گروه در اصل متشکل از فـعـالان TEJO ورونیـــــــکا پور (Veronika Poor) و نیکو هورمان (Nico Huurman)، هماهنگ‌کننده محلی مشارکت UEA در Rio+20 اورســـولا گراتــــــــاپاگلیــــا (Ursula Grattapaglia) و عضو هیات رئیسه UEA در امور روابط خارجی استفانو کلر (Stefano Keller) بود. سند در زمان مقرر به سازمان ملل تسلیم شد و در تارنمای سازمان ملل که جهت همایش ایجاد شده بود به نمایش درآمد.

در ابتدا به UEA و TEJO اعلام گردید که سند همایش در اختیار جامعه جهانی قرار خواهد گرفت به این دلیل که بایستی به روشنی تبعیض زبانی و سیاست‌هایی را که منجر به نابودی زبان ها و حاکمیت فرهنگی زبان‌های بزرگ‌تر بر زبان های کوچک تر می گردد را محکوم نماید. این دو سازمان اعلامیه همایش بن (Bonn) را با تاکید بر موادی که UEA موفق به افزودن به آن گردید، یادآوری می‌نمایند. هم‌چنین نقش اسپرانتو به مثابه پلی زبانی در متن ارسالی با یادآوری سند تعهد اخلاقی سازمان‌های غیردولتی برای روش و سیره جهانی که توسط همایش مشابه در ریودوژانیرو در سال ۱۹۹۲ تصویب گردیده بود، خاطرنشان گردید. ماده چهاردهم تقدم اسپرانتو را در ارتباطات بین المللی مطرح ساخت و از سازمان های غیردولتی دعوت کرد تا در گسترش آن مشارکت نمایند.

UEA و TEJO در پـایـان همکاری خود پیش نویسی را با این عنوان که گذر به سیاست زبانی پیشنهادی آن ها می تواند در نظام سازمان ملل، در سازمان های بین المللی دیگر و در آحاد کشورها تحقق یابد، آماده می‌کنند.

سازمان جهانـــــــی اسپرانتو (UEA) در اجلاس زنان اقلیت سازمان ملل متحد

بیست و نهم و سی ام نوامبر جلسه چهارم اجلاس اقلیت‌ها در ژنو (مقر اروپایی سازمان ملل متحد) برگزار گردید. موضوع جلسه «مشارکت موثر» زنان اقلیت در اقتصاد، جامعه و فرهنگ بود. در این نشست خانم ناوی پیلای (Navi Pillay) فرستاده عالی سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر حضور داشت. خانم ریتا ایساک (Rita Izsak) کارشناس مستقل جدید در امور اقلیت‌ها از طریق پیام ویدیویی سلام فرستاد. استفانو کلر (Stefano Keller) و سسکو رئاله (Cesco Reale) نمایندگان سازمان ملل متحد بودند.

استفانو کلر عضو هیات رئیسه سازمان ملل متحد در روز دوم به اجلاس آمد. او توجه ها را بر لزوم احترام به حقوق و تنوع زبانی طبق «اعلامیه حقوق افراد وابسته به اقلیت‌های ملیتی یا قومی، مذهبی و زبانی» که به‌وسیله مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۲ تصویب گردیده بود، جلب کرد. به عقیده وی سازمان جهانی اسپرانتو به مدت بیش از ۱۰۰ سال مدافع زبان‌های اقلیتی بوده است.

کلر تاکید داشت که زنان اقلیت غالباً با تبعیض های متعددی از ابتدای کودکی خود روبرو هستند. به این ترتیب آن ها در مقابل فقر و محرومیت اجتماعی تنها و بی دفاع هستند. اگر حقوق اساسی آن ها در مورد فهم و اظهار نظر به زبان مادری میسر نشده باشد، چگونه می توانند به گونه ای موثر در حیات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مشارکت داشته باشند؟ کلر دعوت به مبارزه علیه هر نوع تبعیضی که قربانیانش زنان اقلیت می باشند را درخواست نمود.

در ضمن تنفس، نمایندگان سازمان جهانی اسپرانتو توانستند برخی ارتباط های قدیمی با نمایندگان سایر سازمان ها را تجدید کرده و ارتباط های جدیدی را برقرار نمایند.

فراخوانی به مناسبت روز حقوق بشر

دهم دسامبر هر سال روز گرامی‌داشت حقوق بشر است. دعوت استفانو کلر عضو هیات رئیسه سازمان جهانی اسپرانتو در امور روابط خارجی به منظور تدارک برای روز حقوق بشر امسال به شرح زیر است.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نشست ۳۱۷ خود در تاریخ چهارم دسامبر ۱۹۵۰ با همه اعضا، در ارتباط با موضوع «روز حقوق بشر»، همه دولت‌ها و سازمان‌های مربوطه را به پذیرش گرامی‌داشت همه ساله این روز و تلاش در جهت بهسازی مستمر وضعیت حقوق بشر فرا خواند. مجمع هم‌چنین از سازمان ملل متحد در رابطه با انجام این گرامی داشت درخواست ارائه گزارش کرده است. هدف این گرامی‌داشت عبارت است از: اطلاع رسانی، جلب کردن توجه مردم جهان به این اعلامیه که در همه جا به عنوان الگوی مشترک پیشرفت مورد پذیرش قرار گیرد.

حقوق بشر زبانی بخش جدایی ناپذیر اعلامیه حقوق بشری است که در دهم دسامبر ۱۹۴۸ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد صادر گردیده که ماده ۲ آن در بخش پیش‌گفتار به این صورت آمده است: "همه حقوق و آزادی های تعریف شده در این اعلامیه به‌طور یکسان برای همه انسان ها بدون هیچ‌گونه تبعیضی اعم از نژاد، رنگ پوست، جنسیت، زبان، مذهب، آرمان سیاسی و غیره، تبار قومیتی یا اجتماعی، دارایی‌ها ، وضعیت تولد و غیره نافذ است."

بیش از شصت سال پس از صدور این اعلامیه، بسیاری از دولت ها حقوق بشر را مورد بی‌احترامی قرار داده‌اند و آن را نقض کرده‌اند.

اساسنامه سازمان جهانی اسپرانتو معین ساخته است که شرط های اساسی برای کار ما روابط بین‌المللی خوب و تکریم حقوق بشر تعیین شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌باشد.

انجمن های کشوری و گروه‌های محلی در دهم دسامبر باید فعالیت‌های اطلاع‌رسانی انجام دهند به گونه ای که توسط آن در سطح جهان آشکار شود که اسپرانتودانان نه تنها برای عدالت زبانی بلکه برای تحقق کامل همه حقوق انسان ها، چنان‌که در اعلامیه حقوق بشر نوشته شده است، مبارزه می کنند.

ما، اسپرانتودانانی که در اغلب کشورهای جهان حضور داریم، به سازمان ملل متحد در مورد این روز که موضوعش پیش شرط های مهم همزیستی بشری است بایستی در میان اولین گزارش دهندگانی باشیم که اطلاعات، فعالیت ها و گرامی داشت هایمان را یادآوری می نماید.

تصویر نماد اسپرانتویی این روز (حقوق بشر) طبق الگو و شاخصه های سازمان ملل متحد ایجاد گردید. آن را می توان از تارنمای (۲۰ سانتیمتری):
http://uri.fi/TagoHomajRajtoj
و (۱۰ سانتیمتری):
http://uri.fi/TagoHomajRajtoj10cm
دانلود نمود. از آن می‌توانید در پیام های اینترنتی و سایت ها و وبلاگ های خود (فیسبوک، Ipernity، و بقیه) استفاده کنید.

در صورت نیاز به نسخه زبانی مورد نظر، اعلامیه را می توانید از نشانی زیر (که به بیش از ۳۰۰ زبان موجود است) دانلود کنید:

http://www.ohchr.org/EN/UDHR/Pages/SearchByLang.aspx

در عین حال آماده سازی رسانه مطبوعاتی به نام انجمن (اسپرانتو) کشورتان وجود دارد که در آن اشاره به این مطلب که اسپرانتیست ها نسبت به کار سازمان ملل متحد یعنی حقوق بشر به‌طور عام و حقوق زبانی به‌طور خاص علاقمند هستند، امکان‌پذیر می‌باشد.

چنـــان‌چه از طریق اینترنـــت خبررســـانی می کنید، از مخاطبین بپرسید که چه تعدادی از آنان حقوق بشر را می‌شناسند، و نسخه هایی از خبر را به‌همراه اعلامیه یا به همراه لینک ها ارائه دهید.

اطلاعات بیش‌تر در نشانی زیر:

http://www.linguistic-rights.org/eventoj

و در فیسبوک :

http://www.facebook.com/unitednationshumanrights

استفانو کلر

عضو هیات رئیسه سازمان جهانی اسپرانتو در امور روابط خارجی

http://uea.org/vikio/Homaj_Rajtoj

http://esperanto-movado.blogspot.com/2011/12/rio20-kaj-esperanto.html

گردهمایی تخصصی و موفق در چهارچوب کنفرانس انجمن بین‌المللی آموزگاران اسپرانتیست

گردهمایی دانشگاهی زبان‌شناسان را جذب خود نمود

انجمن بین‌المللـــــــــی آموزگاران اسپرانتیست هر ســـاله در کنفرانس سالیانـــه خـــود گفتگویـــی را با حضـور دانشگاهیان مجرب غیراسپرانتیست در زمینه زبان، فرهنگ یا مواردی که در ارتباط با موضوع کنفرانس باشد برگزار می‌کند و اکنون این امر به شکل یک سنت درآمده است. این کنفرانس ۲۵ ژولای ۲۰۱۲ با حضور دهها نماینده که هریک روشنـگـر بخشی از جنبه‌های موضوع اصلی بودند برگزار شد. موضوع این کنفرانس در استان *Yunnan* چین با جمعیتی حـدود ۲۵ گروه قومی، اکثریت با زبان‌ها، الفبا، عادات و گونه‌های هنری متفاوت، جریان داشت. نیاز به برقراری ارتباط در میان قوم‌های اقلیت ضرورت بزرگی است. سخنرانی‌ها به دو زبان چینی و اسپرانتو بود. متن‌های ترجمه شده به اکران درآمده تـا سـرعـت بیشتری به برگزاری کنفرانس دهد و مانع از وقفه در صحبت سخنرانان شود. زمان مباحثه به بعد از سخنرانی مـحـول شـد. تالار با ۱۵۰ صندلی و ۱۱ برنامه سخنرانی تمام روز پر بود. متن سخنرانی آقای YUAN Hongyu در سایت انجمن بـه آدرس www.ilei.info در صفحه اصلی در زیر بخش اخبار با فرمت پی دی اف در دسترس و قابل پیاده‌سازی می‌باشـد. به جز متن، تصاویر و نقشه‌ها نیز مشهود است. این سخنـــــــرانی دقیقا نگاهی تراز نوین بر فـــرهنگ، زبـان و تـنـوع قومی استان میزبان *Yunnan* را ارائه می‌دهد. در این کنفرانس برای شرکت‌کنندگان که اکثرا جوان بودند با این نوع خاص از معرفی تخصصی زبان‌شناسانه و به مدد وجود راهروهـــای مباحثه و گفتگو اطلاعـــات مناسبی برای بیان ارزش ایـن زبان تبادل گـــردید. در مجموع برنامـــه‌ای موفق و سازمان‌یافته بود که بخش اعظم آن را کالج هنر کومینـــــگا ترتیب داده و محل برگزاری این سمپوزیوم بود.

استفان مک‌گیل

ریاست انجمن بین‌المللی آموزگاران اسپرانتیست

اسپرانتو در یادنما و پیکره‌های یادبود

مجموعه‌ای مصور از ۱۰٤٤ یادنمای مربوط به دکتر زامنهوف و اسپرانتو در ٥٤ کشور دنیا در طول صد سال ۱۹۹٦ـ ۱۸۹٦

(بخش سوم)

هوگو رولینگر

برگردان: رازمهر پرتو

بلژیک

Antwerpen	Z-Strato	1954
Assebroek (ĉe Brugge)	E-Strato	1950
Boom (sude de Antw.)	E-Strato	1966
Brussel [Anderlecht]	Z-Avenuo	1960
Leuven [Korbeek-Lo]	Z-Strato	1994
Leuven [Haasrode]	E-Avenuo	1994
Oostende [Torh'steenweg 631]	E-Firmao	1950
Schoten (ĉe Antwerpen]	Z-Avenuo	1968
Sint-Amandsberg (Gent)	E-Strato	1992
Sint-Kruis (Brugge)	Z-Avenuo	1969
Solre-sur-Sambre (Hainaut)	E-Strato	1979

بلوروس

Grodno	Z-Tabulo	1991

برزیل

Açu (RN)	E-Avenuo	1963
Alto Paraíso [Bona Espero] (GO)	E-Bieno	1957
Alto Paraíso [Bona Espero]	E-Monumento	1980
Alto Paraíso [Bona Espero]	E-Monumento	1993
Alto Paraíso [en la urbo] (GO)	E-Monumento	1993
Alvorada (TO)	Z-Strato	
Alvorada [S. Maris]	E-Strato	
Alvorada [Piratini]	E-Strato	
Ananindeua (PA)	E-Strato	1986





لوحه‌های یادبود در ماریلیا و فورتالز، برزیل

Anápolis (GO)	E-Monumento	1992
Aracaju (SE)	E-Strato	1932
Barra Mansa (RJ)	E-Strato	1980
Barras do Garças	Z-Piedestalo/Monumento	1995
Baurú (SP)	Z-Strato	
Belém (PA)	E-Strato	1972
Belo Horizonte (MG)	E-Obelisko	1957
Belo Horizonte (MG)	Z-Placo	1957
Belo Horizonte (MG)	E-Strato	1949
Belo Horizonte (MG)	Z-Monumento	1950
Belo Horizonte (MG)	E-Kliniko	1973
Boa Vista (RR)	E-Strato	1991
Boa Vista [Bairro Caraña]	Z-Strato	1993
Caçapava (SP)	Z-Strato	1976
Caçapava (SP)	E-Strato	1987
Cachoeira do Sul	E-Strato	
Campinas (SP)	E-Tabulo	1958
Campinas (SP)	E-Strato	1960
Campinas (SP)	Z-Monumento	1984
Campinas (SP)	E-Strato	1991
Campinas [Jardin Lisa]	Z-Strato	1991
Campinas [Jd. N. Maracaña]	Str. "Suda Stelaro"	1991
Caratinga (MG)	E-Strato	1967
Caxias do Sul (RS)	E-Strato	
Chapada dos Guimaraés (MT)	Z-Tabulo	1985
Coracão de Jesus (MG)	E-Strato	1952
Cruzeta (RN)	E-Strato	1963
Curitiba (PR)	Z-Strato	1953
Curitiba [da Glória]	Z-Monumento	1972
Currais Novos (RN)	E-Strato	1965
Feira de Santana (BA)	Z-Strato	1959
Feira de Santana (BA)	Str. "EstrelaVerde"	
Fortaleza (CE)	Z-Monumento	1974
Fortaleza [Papicu]	Z-Strato	
Fortaleza [Vila Uniño]	E-Strato	
Goiânia (GO)	Z-Salono	1975
Governador Valadares (MG)	E-Firmao	1964
Guaratiba	E-Placo	1990
Guarulhos (SP)	E-Strato	
Ilheus (BA)	E-Strato	1981
Ilheus (BA)	Z-Monumento	1985
Indaiatuba (SP)	E-Avenuo	1975
Itapetinga (BA)	E-Strato	1950
Itapetininga (SP)	E-Strato	1957
João Pessoa (PB)	E-Avenuo	1949
João Pessoa (PB)	Z-Strato	
Joinville (SC)	E-Strato	
Juiz de Fora (MG)	Z-Strato	1953
Juiz de Fora (MG)	E-Strato	1970
Juiz de Fora (MG)	Z-Monumento	1980
Juiz de Fora (MG)	E-Bushaltejo	1970
Jundiaí (SP)	Z-Placo	1962
Jundiaí (SP)	E-Strato	1962
Lageado (RS)	E-Strato	1983
Lageado (RS)	Z-Strato	1986
Londrina (PR)	E-Avenuo	
Londrina (PR)	Z-Strato	
Macaé (RJ)	Z-Strato	1957
Macaiba (RN)	E-Strato	1957
Macau (RN)	E-Strato	1959
Maceió (AL)	Z-Strato	1957
Malacacheta (MG)	Z-Strato	1963
Manaus (AM)	E-Monumento	1991
Maraú (BA)	E-Strato	
Marilia (SP)	Z-Monumento	1973
Monte Santo da Minas (MG)	E-Strato	1960
Muritiba (BA)	Z-Strato	1965
Muritiba (BA)	Z-Tabulo	1986
Natal (RN)	Z-Placo	1959
Natal (RN)	E-Placo	1959
Nilópolis (RJ)	E-Strato	1959
Niterói (RJ)	E-Placo	1957



بنای یادبود اسپرانتو در Vitória برزیل



تابلوی روی بنای یادبود Anápolis درباره اسپرانتو برزیل



نیم‌پیکره زامنهوف در میدان جمهوری São Paulo، برزیل



خیابان زامنهوف در ریودو ژانیرو ، برزیل (تصویر متعلق به سال ۱۹٦٤ می‌باشد)

Novo Hamburgo (RS)	E-Strato	1982
Padre Bernado (GO)	E-Strato	1988
Palmeira das Missões	E-Strato	
Pedro Velho (RN)	E-Strato	1964
Pompéu (MG)	E-Strato	1967
Porto Alegre (RS)	Z-Strato	1937
Porto Alegre (RS)	E-Placo	1953
Presidente Prudente (SP)	E-Strato	
Promissão (SP)	E-Avenuo	1961
Promissão (SP)	Z-Avenuo	1976
Realengo (RJ)	E-Strato	1913
Recife (PE)	E-Strato	1951
Recife (PE)	Z-Strato	1965
Resende (RJ)	E-Strato	1961
Ribeirão Preto (SP)	E-Strato	
Ribeirão Preto (SP)	Z-Strato	
Rio de Janeiro (RJ)	E-Strato	1959
Rio de Janeiro	Z-Strato	1917
Rio de Janeiro	E-Konstruaĵo	1959
Rio de Janeiro	E-Bieno	1957
Rio de Janeiro	Z-Monumento	1990
Rio de Janeiro [C. Grande]	Str. Lidja Zamenhof	1991
Rio de Janeiro [C. Grande]	Str. "Suda Stelaro"	1991
Rio de J. [Santíssimo]	Str. Lidja Zamenhof	1994
Rio de J. [Guaratiba]	E-Placo	1990
Rio de J. [B. Tijuca]	Str. Klara Zilbernik	1991
Rio de J. [Bangú]	Str. "Verda Stelo"	1991
Rio de J. [Traversa]	Z-Monumento	1946
Rio de Janeiro	Vojo D-ro Braz Cosenza	1991
Rio Grande (RS)	Z-Strato	1968
Rio Grande (RS)	E-Placo	1969
Rio Grande (RS)	Z-Monumento	1980
Salvador (BA)	Z-Monumento	1959
Salvador (BA)	E-Trapasejo	
Salvador (BA) [Graça]	E-Strato	1937
Salvador [São Caetano]	E-Strato	
Santa Maria (RS)	Z-Strato	1959
Santa Maria (RS)	E-Strato	
Santo Amaro (BA)	E-Strato	1959
Santo Antonio (RN)	E-Salono	1963
Santo Antonio de Jesus (BA)	E-Strato	
Santos (SP)	E-Placo	
Santos (SP)	Z-Monumento	1977
Santos Dumont (MG)	E-Strato	1967
Santos Dumont (MG)	Z-Monumento	1967
São Bernardo do Campo (SP)	E-Strato	1977
São Carlos (SP)	Z-Strato	1970
São João da Boa Vista (SP)	Z-Strato	1959
São Jose dos Campos (SP)	Z-Monumento	1983
São Lourenco (MG)	E-Strato	1970
São Miguel Paulista (SP)	E-Strato	1967
São Paulo [Butantã]	E-Strato	1947
São Paulo (SP)	Z-Monumento	1969
São Paulo [V. Paul.]	E-Strato	

فنلاند

Espoo [Irislahti]	E-Strato	1955
Oulu	E-Arbo	1987
Tampere [parko “Sorsapuisto”]	E-Arbo	1995
Turku (asteroido)	“Esperanto”	1936
Turku (asteroido)	“Zamenhof”	1938



Allan Mebtonen نزدیک درخت اسپرانتو در Oulu، فنلاند

درخت اسپرانتو در Oulu، ۲۵ سپتامبر ۱۹۸۷ در جنگل Rauhanmetsä (= جنگل صلح) در جزیره Hietasaari فنلاند نزدیک بندر قدیمی و مرکز شهر کاشته شد.

انجمن اسپرانتو Oulu در سالگرد زبان اسپرانتو مجوز کاشت این درخت را دریافت نمود. از آن به بعد انواع درخت کاج توسط شهروندان و سازمان‌های خارجی با عناوینی از جمله فرهنگ و دوستی بین‌المللی در این جنگل کاشته می‌شود. شماره درخت اسپرانتو در جنگل صلح ٥٤ است؛ که از نوع درخت کاج بوده و نام علمی آن Pinus sylvestris می‌باشد. تابلوی این درخت به دو زبان فنلاندی و اسپرانتو است که عنوان انجمن اسپرانتوی Oulu بر آن درج گردیده است.

عکس فوق ۵ سال بعد از کاشت درخت یعنی تابستان ۱۹۹۲ گرفته شده است که در آن Allan Mebtonen نماینده سازمان جهانی در این شهر ارتفاع درخت را که به ۱/۵ متر رسیده است نشان می‌دهد.

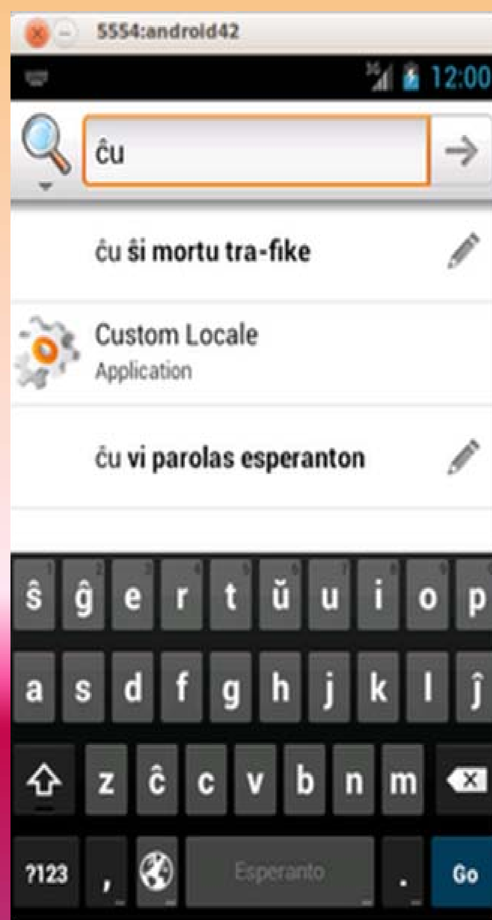
شرکت‌کنندگان هشتادمین کنگره جهانی اسپرانتو در ژولای ۱۹۹۵ فنلاند در مراسم افتتاحیه کاشت درختان بسیار دیگری با عنوان اسپرانتو حضور داشتند.

در پارک "اردک" درخت ۵ ساله‌ای با ارتفاع ٤ متر در شهر Tampere محل برگزاری کنگره کاشته شده بود به این منظور که نشانه سمبلیکی برای رشد و پیشرفت اسپرانتو باشد.

IRANA ESPERANTISTO

IREA
Irana Esperanto-Asocio

Kultura sezon-revuo en la persa kaj Esperanto N-ro: 3, Dua serio, Aŭtuno 2012



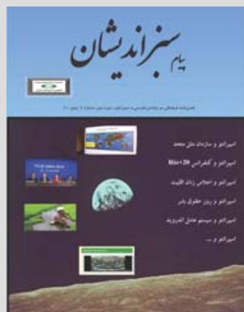
Esperanto en Teknologia progreso

Pajam-e Sabzandiŝan (*Mesaĝo de Verdpensuloj*)
ISSN 1728-6174

IRANA ESPERANTISTO estas kultura kaj sendependa sezon-revuo internacia.



Kovrilo:



Persa kovrilo:

Grafikaĵo k enpaĝigo: *Sabzandiŝan*

Adresoj: Tehran, Iran
TTT-ejo : www.espero.ir
Retpoŝto: info@espero.ir

Bonvenas eseoj, artikoloj, raportoj kaj kontribuaĵoj kondiĉe ke ili ne estu publikigitaj antaŭe. Bonvenas kultur-temaj kontribuaĵoj ĉu en Esperanto ĉu en la persa.

Karaj legantoj!

Kiam mi kontrolis tiun ĉi numeron, mi ekkomprenis ke "Irana Esperantisto" jam dekjariĝis. Kvazaŭ estus hieraŭ kiam S-ro Torabi telefonis al mi petante kontribui al la nova revuo. Ni spertis bonajn neforgeseblajn momentojn dum tiu ĉi dek jaroj. Kiam ni kunsidis por enordigi la kontribuaĵojn kaj prepari la numerojn. Kaj malbonajn momentojn, kiam la revuo ĉesis aperi. Sed ĉiaokaze ĝi dekjariĝis. Kvankam ni ne atingis niajn celojn, sed ĝi vivas. Helpu ĝin vivi jarojn kaj jarojn.

D-ro Keyhan Sayadpur



Enhavo:

- Metroo sociologie en aliaj landoj: K. Sayadpour
- Proksimiĝantaj Psikologio kaj Mistikismo: A. R. Mamduhi
- Esp-a klavaro en Android-sistemoj

Kaj ...

La persa parto:

- Esperanto en tornistro, Parto la 5a, tradukis: Simin Emrani
- Esperanto iĝos integra parto de Android-telefonoj
- UEA Kaj TEJO kontribuis al RIO+20
- Sukcesa simpozio kadre de la ILEI-konferenco
- Esperanto Monumente, Hugo Röllinger, Parto la 3a

Kaj ...

Metroo Sociologie

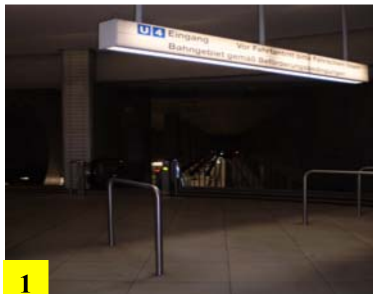
(Parto 2: en aliaj landoj)

Verko & Fotoj: K. Sayadpour

Metroo! Oni aĉetas bileton, validigas ĝin, trapasas pordon elektrikan, atendas trajnon, entrajniĝas, staras aŭ sidas ĝis celstacio, eltrajniĝas, kaj eble alifoje trapasas pordon. Jes, sed ne ĉie ĝuste tiel! En kelkaj landoj/urboj estas diferencoj. Jen kelkaj diferencoj laŭ miaj spertoj.

Germanio

Nu! La granda diferenco estas ke ne ekzistas pordo! Vi havu bileton kun vi mem! La kontrolistoj hazarde kontrolas vian bileton kaj se vi ne havos, ili punos vin je 60 eŭroj! Estas notico pri tiu puno: "Nigra tago por nigra veturanto". Ankaŭ ne miru se vi vidis veturanton kun biciklo



en la trajno! Oni povas kunporti sian biciklon en la trajno. Estas personoj kiuj legas libron. Ili kunportas libreton kaj uzas eĉ mallongan oportunon por legado. Oftas muzikistoj diversaj (okcidenta, turka, hinda, k.t.p.).

Japanio

Tokia metroo estas la plej veturanthava en la mondo. Ĉiam estas relative multe da homoj en stacidomoj kaj trajnoj . Veturantoj divideblas al du grupoj: duono dormas en la trajno kaj alia duono aŭ ludas per elektronika ludilo/



poŝtelefono aŭ legas SMS-ojn! Ĉar tokianoj multe laboras kaj iliaj hejmoj malproksimas pro altaj prezoj en centra Tokio, ili bezonas la tempon en trajnoj por dormi!



Grekio

Malgraŭ la belaj stacidomoj de Ateno, grekoj ŝajnas malgajaj en la trajnoj. La grekaj kantoj havas ankaŭ malgajan temon. Grandaj financaj problemoj povas roli tiurilate.

Italio

Italoj estas babilemaj kaj trajnoj ne estas esceptataj. Tamen, matene oni ankoraŭ dormemas kaj ne parolas multe. Vespere oni estas tiom laca ke ne ekzistas sufiĉe da forto por paroli. Sed alitempe estas multe da ardaj parolantoj!

Ĉinio

Unu el la plej enordaj metrooj estas tiu de Pekino! En multaj stacioj estas vitraj muroj inter la fervojo kaj popoloj. Ekzistas elektraj



pordoj. La trajno haltas kaj ambaŭ trajnaj kaj staciaj pordoj malfermiĝas. Homoj antaŭ alveno de la trajno staras laŭvice dekstre kaj maldekstre de la pordoj. Elirantoj eliras meze kaj poste enirantoj eniras laŭvice de ambaŭ flankoj.

Francio

Parizo posedas malnovan metroon. Estas longaj tuneloj inter la linioj. Malbona afero estas ke senhejmuloj vintre dormas en stacidomoj. Pro manko de necesujo, ili faras siajn necesajn agojn sur la fervojo, do vi devas toleri la malbonan odoron!

1– Enirejo de stacidomo en Frankfurto. Ne ekzistas pordo
2– Tokia metroo
3– Dormanto en tokia trajno
4– Pekina stacidomo

Proksimiĝantaj Psikologio kaj Mistikismo

Artikolo surbaze de prelego far Ahmad R. Mamduhi en 28a de majo 2012, en Irana Esperanto-Asocio (IREA), en Tehrano, Irano, en serio de Monataj Prelegoj organizata pere de d-ro Keyhan Sayadpour

(la dua parto)



Nevill Drury (naskita en Anglio en 1947) estas redaktisto, eldonisto, kaj profesiulo en multaj aspektoj de la eldonado, same kiel la verkinto de pli ol kvardek libroj pri temoj tiel diversaj kiel de ŝamanismo kaj okcidentaj magiaj tradicioj ĝis arto, muziko, kaj antropologio. Liaj libroj estis publikigitaj en dekkvin lingvoj.

La verkinto Nevill Drury postulas ke ekzistas "kvar ŝlosilaj antaŭuloj de la Nova Epoko":

● La unua el tiuj estis Emanuel Swedenborg (1688-1772), sveda sciencisto, kiu post religia travivaĵo dediĉis sin al kristana mistikismo, kredante ke li povis vojaĝi al La Ĉielo kaj la Infero kaj senvorte komuniki kun anĝeloj, demonoj kaj spiritoj, kaj li publikigis vaste pri la temo de siaj travivaĵoj.

● La dua persono estis Franz Mesmer (1734-1815), kiu evoluigis formon de resanigo uzante magnetojn, kredante ke ekzistis forto konata kiel "animala magnetismo", kiu afektas homojn.

● La tria figuro estis la rusa Helena Blavatskij (1831-1891), unu el la fondintoj de la Teozofia Societo, tra kio ŝi disvastigis sian religieman movadon de Teozofio, kiu mem kombinis kelkajn elementojn de orientaj religioj kiel hinduismon kaj budhismon kun okcidentaj elementoj.

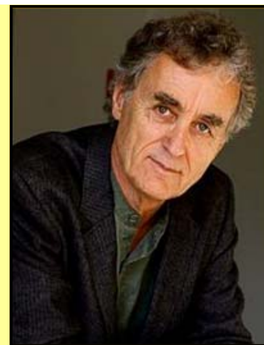
● La kvara figuro estis George Gurdjieff (c. 1872-1949), kiu fondis la filozofion de la Kvara Vojo, pere de kiu li peris spiritajn instruojn al siaj disĉiploj.

Li poste aldonas ankaŭ alian personon:
La kvina individuo, kiun Drury identigis kiel grava influo sur la movado de Nova Epoko estis la hinda Swami Vivekananda (1863-1902), ano de filozofio de Vedanto. Li estis la unua persono, kiu alportis hinduismon en la Okcidenton en la malfrua 19-a jarcento.

4- Repacigaj provoj

Jam delonge okazis multaj provoj por proksimigo aŭ montri la proksimiĝon de la fiziko kaj metafiziko. Ĉi tie ni nur traktas unu el ili, kiun faris Fritjof Capra (1939-), Aŭstrio-naskita usona fizikisto. Li estas la fondinta direktoro de la Centro por Eko-aboco[1] en Berkeley, Kalifornio.

Capra estas la verkinto de pluraj libroj, inkluzive de La Tao de Fiziko[2] (1975), La Turnopunkto[3] (1982), Nekomuna Saĝo[4] (1988), La Reto de Vivo[5] (1996), kaj La Kaŝita Ligo[6] (2002).



Fritjof Capra (1939-) estas inter la plej famaj repacigantoj de fiziko kaj mistikismo

Ĉefverko de Capra: La Tao de Fiziko

La Tao de Fiziko: Esplorado de la Paralelaĵoj inter Moderna fiziko kaj Orienta Mistikismo[7] estas libro de Capra, publikigita en 1975. Ĝi estis furorlibro en la mondo, kaj estis publikigita en 43 eldonoj en 23 lingvoj. La kvara eldono en la angla estis publikigita en 2000.

La sekvanta eltiraĵo de La

Tao de Fiziko resumas Capra-an instigon por verkado de tiu libro:

"Scienco ne bezonas mistikismon, kaj mistikismo ne bezonas fizikon, sed la homaro bezonas ambaŭ." - (epilogo)

Mansfield pri La Tao de Fiziko

Victor N. Mansfield, profesoro pri fizikoj kaj astronomio ĉe Colgate Universitato, kiu mem verkis multajn artikolojn kaj librojn ligante fizikon al budhismo kaj ankaŭ al analiza psikologio, komplimentis la libron "La Tao de Fiziko" en la revuo Physics Today (Fiziko Hodiaŭ):

"Fritjof Capra, en La Tao de Fiziko, serĉas... integriĝon de la matematika mondkoncepto de moderna fiziko kaj la misteraj vizioj de Budho kaj Kriŝno. Kie aliaj malsukcesis mizere en provado unuigi tiujn ŝajne malsamajn mondkonceptojn, Capra, alt-energia teoriulo, sukcesis admirinde. Mi forte rekomendas la libron al kaj laiko kaj sciencisto."

4-1- Capra pri Heisenberg

Capra diskutis siajn ideojn kun Werner Heisenberg en 1972, pri kio li menciis en la sekvanta intervjueltiraĵo:

"Mi havis plurajn diskutojn kun Heisenberg. Mi vivis en Anglio tiam [ĉirkaŭ 1972], kaj mi vizitis lin plurajn fojojn ankaŭ en Munkeno kaj montris al li la tutan manuskripton ĉapitron post ĉapitro. Li estis tre interesita kaj tre sincera, kaj li rakontis al mi ion ke mi pensas estas ne konata publike ĉar li neniam publikigis tion. Li diris ke li estis bone konscia pri tiuj paralelaĵoj…"

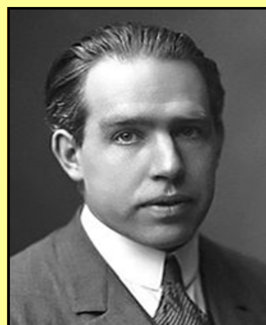


Werner Karl Heisenberg (1901-1976), germana teoria fizikisto, kiu faris fondajn kontribuojn al kvantuma mekaniko kaj estas plej konata por prezentado de la necerteco-principo de kvantumteorio.

Capra pri Heisenberg kaj Tagore

Capra daŭrigas siajn eldirojn pri Heisenberg jene:

"Dum li laboris pri kvantumteorio, li iris al Hindio por prelegi kaj estis gasto de Tagore. Li parolis multe kun Tagore pri hinda filozofio. Heisenberg rakontis al mi ke tiuj babiladoj helpis lin multe en lia laboro en fiziko, ĉar ili montris al li ke ĉiuj tiuj novaj ideoj en kvantuma fiziko estis fakte ne tiel frenezaj. Li komprenis ke ekzistis, fakte, tuta kulturo kiu enhavis tre similajn ideojn. Heisenberg diris ke tio estis granda helpo por li..."



Niels Henrik David Bohr (1885 – 1962) dana fizikisto, kiu faris fundamentajn kontribuojn al komprenado de atomstrukturo kaj kvantuma mekaniko, por kiuj li ricevis la Nobel-premion pri fiziko en 1922.

4-2- Capra pri Bohr

Ankaŭ pri Bohr, Capra diras, ke:

"… Niels Bohr havis similan travivaĵon kiam li iris al Ĉinio[8]."

Kiel rezulto de tiuj influoj, Bohr adoptis la simbolon de jino kaj jango kiel parton de sia familio blazono kiam li iĝis kavaliro en 1947.

La postaj verkoj de Capra

La Tao de Fiziko estas sekvita per aliaj libroj de la sama ĝenro kiel La Kaŝita Ligo, La Turnopunkto kaj La Reto de Vivo en kiuj Capra etendis la argumenton de kiel antikva orienta mistikismo kaj hodiaŭaj sciencaj rezultoj rilatiĝas unu kun la alia harmonie, kaj kiel orienta mistikismo eble havos ankaŭ respondojn al kelkaj el la plej grandaj sciencaj defioj de hodiaŭ.

5- Psikologio Emiĝanta al Mistikismo

En tiu ĉi parto ni pritraktos 3 nuntempejn sukcesajn psikologojn, en kies verkoj ĉeestas supernaturaj aŭ metafizikaj ideoj aŭ/kaj kredoj. Iliaj verkoj jam tradukiĝis, eldoniĝis kaj eĉ instruiĝas en multegaj landoj tra la mondo. Tio ja mantras la ekziston de popola soifo al io supernatura mondskale. Kaj aŭdi tion – precipe de sciencistoj fidindaj – estas tre trankvilige por popolo.

5-1- Debbie Ford: Ombro-Proceduro

Debbie Ford, usona psikologino, estas internacie konata kiel spertulino pri persona transformado. Jam pasas pli ol 20 jaroj, ekde kiam ŝi komencis gvidi kursojn kaj kunvenojn por helpi aliajn en iliaj vivoj sur la vojo al perfektiĝo kaj sinrealigado.

Ŝi estas verkinto de plej-venditaj libroj kiel La Malluma Flanko de la Lum-Ĉasantoj[9], La Sekreto de la Ombro, Spirituala Divorco, La Ĝustaj Demandoj, La Plej Bona Jaro de Via Vivo, La Ombra Efekto, kaj Kial Bonaj Homoj Faras Malbonajn Aferojn.



Debbie Ford, usona psikologo, kies memhelpaj verkoj legiĝas kaj instruiĝas tra la mondo en granda skalo.

Ĝis nun ŝiaj verkoj eldoniĝis en 32 lingvoj tra la mondo kaj pli ol miliono da ekzempleroj de ŝiaj libro jam vendiĝis mondskale.

Ombro

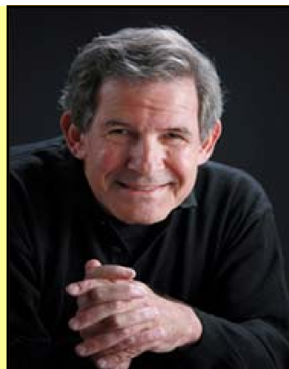
Ford bazigis sian instruon parte sur Jung-a kredo "La oro troviĝas en mallumo", kaj esprimas ke tio, kion ni jam forsendis konscie/nekonscie en nian malluman flankon (ŝiavorte: ombron), estas tre valora, kaj ni devas konsciiĝi pri ĝi kiel eble plej frue/multe. Nur per tia rekonado, ni povas reakiri, nian originalan, puran, povan infanecan karakteron. Laŭ ŝi ni, kiel infanoj, estis perfektaj sanaj hometoj, sed pere de malĝustaj eldiroj de ĉirkaŭuloj, t.e. ĉefe la familio, geamikoj, kaj instruistoj, iom post iom ni aliiĝis kaj plu ne estas ni mem, sed ni estas nur tio, kion ili induktis en nin tra siaj antaŭuloj – kiuj mem siavice estis edukitaj per iliaj praantaŭuloj …!

Denove sur bazo de alioa Jung-a eldiro "Mi preferas esti kompleta ol bona", (kompleta ĉi tie signifas havanta ĉiujn homajn aspektojn ĉu bonajn ĉu malbonajn) Ford asertas ke ni kiel homoj devas akcepti ke ni posedas ĉiujn aspektojn/karakterizaĵojn de homo, ĉu bonajn ĉu malbonajn kaj aprezi ilin, ĉar simple sen ili ni ne estus …. "homoj"! Laŭ ŝi eĉ laŭŝajne nebonaj aŭ negativaj trajtoj povas havi ankaŭ pozitivan efekton. Kiel ekz-o, avarulo renkontas malpli da ŝanco por bankrotiĝi; aŭ ĵaluzo povas montri amantan amon al la amato, k.s.

En siaj verkoj tie kaj tie ŝi aludas al diecaj/metafizikaj faktoroj/helpiloj, kaj kredas ke ili povas multe kontribui al onies resaniĝo kaj plifortiĝo.

5-2- Gary Zukav: La Aŭtenta Potenco

Gary Zukav (1942-) estas spirita instruisto kaj verkinto de kvar sinsekvaj furorlibroj de New York Times. Komenciĝante en 1998,



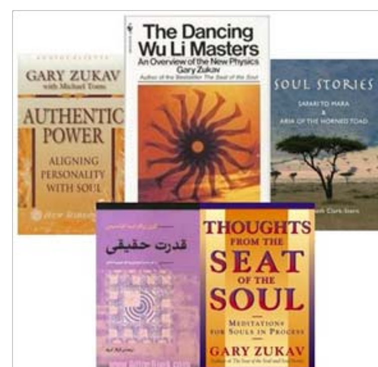
Gary Zukav, usona sprita instruisto kun multaj fururverkoj Gary Zukav: La Dancantaj Wu Li-Majstroj

Zukav partoprenis pli ol 35 fojojn (pli ol ĉiu alia) en La Oprah Winfrey Spektaklo[10] por diskuti pri transformado de homaj konscio-konceptoj prezentitaj en lia verko La Sidloko de la animo[11].

La "Dancantaj Wu Li-Majstroj"[12] de Gary Zukav estas populara Nov-epoka libro de 1979 koncerne mistikismajn interpretojn de kvantuma fiziko.

Ĝi estas inter la unuaj sukcesaj science verkitaj libroj montrantaj interrilatojn de fiziko kaj metafiziko.

La dua libro de Zukav, La "Sidloko de la Animo", kiu publikiĝis en 1989, estis #1a furorlibro de New York Times 31 semajnojn kaj restis sur la



Verkoj de Zukav kvazaŭ sekvas unu la alian laŭ-teme

sama listo por tri jaroj. En intervjuo far Dr. Jeffrey Mishlove por la populara publika televido-serialo Thinking Allowed (Pensado Permesita), Zukav resumis la konceptojn prezentitajn en La Sidloko de la animo jene:

"Mia celo ne estis igi la animon legitima en esprimoj de scienco. La animo estas legitima, finpunkto. Ĝi ne bezonas validumadon. Minimume tio estis mia percepto kaj tial mi verkis libron La Sidloko de la animo por dividi la trovitaĵojn, kiuj estis plej gravaj por mi. La Dancado Wu Lio-Majstroj estis dizajnita por malfermi la menson kaj, La Sidloko de la animo, estas libro dizajnita por malfermi la koron."

La tria libro de Zukav, "Animaj Historioj"[13] (2000) disponigas ekzemplojn de

homoj kreantaj "aŭtentan potencon".

Lia pliposta libro Pensoj de la Sidloko de la Animo: Meditadoj por Animoj en Progreso[14] (2001) ofertis ĉiutagajn citaĵojn por meditado.

Paraleligo de Personeco kun Animo

Zukav lanĉas la koncepton de la paraleligo de personeco kun animo kiel la kreado de "aŭtenta potenco". Li asertas ke transformo de la homaro estas survoje de specio, kiu estas limigita al la perceptoj de la kvin sensoj, evoluas per pluvivado, kaj pluvivas per sekvado de "ekstera potenco", kiun li difinas kiel la kapablon manipuli kaj kontroli, al specio, kiu ne estas limigita al la perceptoj de la kvin sensoj, evoluas per kreskado spirite, kaj kreskas spirite per kreado de aŭtenta potenco. Li plue asertas ke tiu transformado kunportas la novan potencialon de aŭtenta potenco kaj ke la postkuro por ekstera potenco estas do malutila al nia evolucio kaj produktas nur perforton kaj detruon.

Laŭ Zukav, krei aŭtentan potencon estas tre persona klopodo kiu postulas la evoluon de emocia konscio, respondecan elekton, intuicion, kaj fidon je la Universo, kiun li priskribas kiel "vivanta, saĝa, kaj kompatema."[15] Li asertas ke ĉiu individuo povas krei aŭtentan potencon nur por si mem. Li difinas intencon kiel "kvaliton de konscio kiu infuzas agon", t.e., la kialo aŭ instigo por la ago, kaj elekton de intenco kiel la "fundamenta kreiva ago", kiun ĉiu individuo faras kontinue, ĉu senkonscie aŭ konscie. Krei aŭtentan potencon postulas konscie elekti la intencojn, kiuj kreas postsekvaĵojn, por kiuj la elektanto estas preta akcepti respondecon (respondeca elekto), kiu postulas emocian konscion, kaj kiun intuicio povas kunhelpi.

Noto:

1-Center for Ecoliteracy
2-The Tao of Physics
3-The Turning Point
4-Uncommon Wisdom
5-The Web of Life
6-The hidden Connection
7-The Tao of Physics: An Exploration of the Parallels Between Modern Physics and Eastern Mysticism
8-Fritjof Capra, intervjuita fare de Renee Vebero en la libro La Holografia Paradigmo (The Holographic Paradigm), paĝoj 217-218.
9-The Dark Side of the Light Chasers
10-The Oprah Winfrey Show
11-The Seat of the Soul
12-The Dancing Wu Li Masters
13-Soul Stories
14-Thoughts from the Seat of the Soul: Meditations for Souls in Progress
15-Zukav, Gary (1989). The Seat of the Soul. Simon & Schuster. ISBN 0-671-25383-2

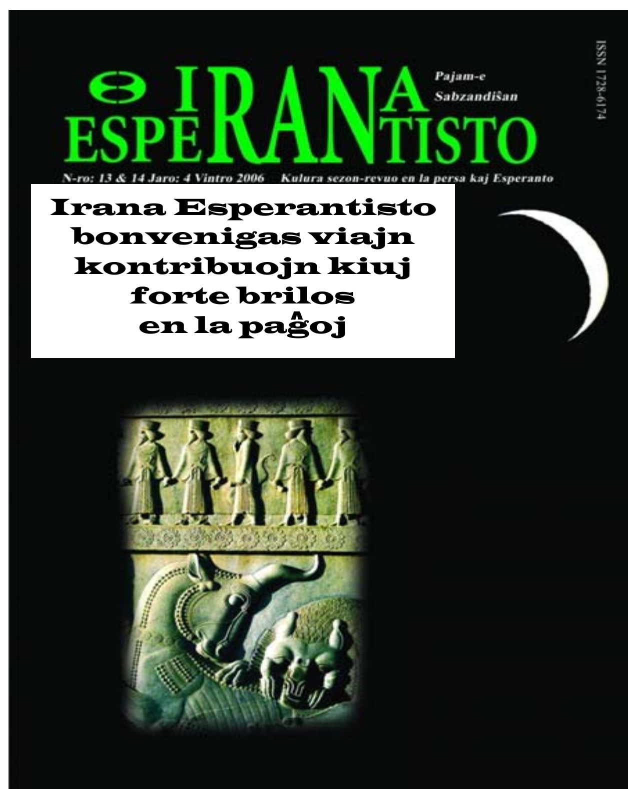
La fino de la dua parto)

Rakonteto ☺

Terkulturisto havis maljunan azenon kiu iun tagon hazarde enfalis senakvan puton. Malfeliĉa viro ju pli klopodis, des pli ne povis elputigi la azenon.

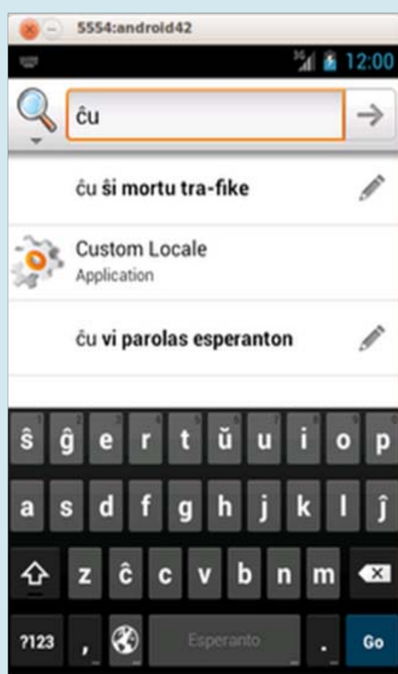
La terkulturisto kaj aliaj vilaĝanoj decidis plenigi la puton per grundo por ke la malfeliĉa besto mortu kaj ne plu suferu.

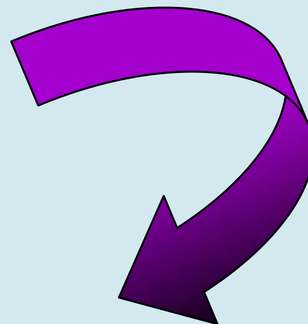
Sed ĉiufoje la vilaĝanoj per sitelo enputigis la grundon, tiam la azeno deskuigis polvojn de sia korpo subpiede kaj kiam tero iom jam plialtiĝis, ĝi staris sur tiu altiĝo. La vilaĝanoj konstante daŭrigis kaj la besto ankaŭ superenvenis. Fine la azeno atingis la rondon kaj elputiĝis.



Esperanto iĝos integra parto de Android-telefonoj!

La poŝtelefonoj kaj tabulkomputiloj kiuj uzas la operacian sistemon Android baldaŭ aŭtomate havos Esperantan klavaron.
La klavaro laŭplane estos integra parto de la versio 4.2 de Android, aperonta komence de la jaro 2013.
Laŭ Jacob Nordfalk, dana programisto kiu grave kontribuis al la enkonduko de Esperanto en Android, opinias la decidon grava, interalie ĉar Esperanto nun aŭtomate estos videbla en la listo de eniglingvoj....
La tuta artikolo estas legebla en Libera Folio:
http://www.liberafolio.org/2012/esperanto-igos-integra-parto-de-android-telefonoj





Jakob Nordfalk, programisto dana skribis en Google+ je 14 nov 2012 :
JES! Androjd 4.2 Jelly Bean venis! Kaj ĝi havas Esperanto-klavaron!
Ĵus publikiĝis la novan version de “Androjd”, kaj en ĝi estas la “Esperanto -klavaro”! Jen mi montras foton de ĝi.
Ĝuste nun estas nur la aparatoj de la marko Nexus 7 *(http://www.android.com/devices/detail/nexus-7)* - malmultekosta kaj aĉetebla ĉie en la mondo) kiuj havas Android 4.2.
Aliaj telefonoj kaj kapablaj aparatoj (ekz. Samsung Galaxy S III) ricevos la ĝisdatigon iam en la unua kvarono de 2013.